

بررسی تربیت کودک و دوران کودکی

نرجس خاتون غفاری (نویسنده مسئول)

دبیر آموزش و پرورش استان فارس ، گروه علوم تربیتی، ایران: narges@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: اگر بخواهیم شاهد یک تربیت صحیح و ایده آل و پربازده در جامعه اسلامی باشیم، می‌بایست از شیوه‌ها و روش‌های تربیتی مناسب که مطابق با موازین و راهکارهای عقلی و شرعی است، بهره‌جویی کنیم. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است. یافته ها: از نظر این پژوهش بهترین و کلیدی ترین شیوه‌های تربیتی را می‌توان در اقوال و افعال شایسته اهل بیت(ع) پی‌جویی کرد. دوران کودکی بسیار حساس و روح کودک نیز بسیار اثرپذیر است و همه رفتارها را در خود ضبط می‌کند و به تدریج بروز می‌دهد و سهل‌انگاری در تربیت کودک عواقب نامطلوبی در پی دارد. نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می‌شود که فرزند سبب ترس پدر نسبت به شرکت در جهاد و انفاق و بخشش مال می‌شود و شیفتگی و حب به مال و دنیا را به دنبال دارد. همچنین فرزند، آدمی را به بخل وامی‌دارد و او را به سوی آن می‌خواند و در بخشش آن نیز تنگ‌چشمی و خست می‌ورزند. همچنین علاوه بر مال، داشتن فرزند، حب به بقا را نیز به دنبال دارد.

کلید واژه: تربیت ، دوران کودکی ، رفتار، تربیت کودک.

مقدمه

تربیت به معنای پروردن، نشو و نما دادن و زیاد کردن و از ماده «رَبَّوْ» است که به معنای بالا رفتن، اوج گرفتن، افزودن و رشد کردن است [۱]. برخی گفته اند تربیت، از حد افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن است. اما تربیت در اصطلاح، کوشش برای ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم او است. به عبارت دیگر، تربیت به فعلیت رساندن استعدادها، به کمال رساندن فرد مستعد کمال و نیز مراقبت از او در مسیر رشد و سیر او به سوی کمال است [۲].

مواد و روشها

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و و کتاب ها، آثار و نوشته های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع بندی و نتیجه گیری بحث می پردازیم.

مبانی نظری

معنای واژگانی تربیت

بدواً برای هم افق سازی ذهن و زبانمان در محدوده حدود و تعاریف، به تحلیل لغوی و مفهومی واژه "تربیت" می نشینیم. لغت پریسامد "تربیت" را برخی از ریشه "رب" گرفته اند، به معنای پروریدن و برخی از ریشه، "رَبُّوْ"، به معنای زیادت و فزونی. [۳] نویسنده "التحقیق" نیز میان واژه های «ربیء» مهموز و «ربب» و «ربو» فرق نهاده است. از منظر ایشان: «ربیء» به معنای علو و بلندی، «ربب» به معنای کشاندن به سوی کمال و «ربو» به معنی پذیرش گستردگی و شکوفایی است که نتیجه اش زیادی و فضل باشد. [۴]

اهمیت تربیت

از تعریف بالا اهمیت فراوان تربیت آشکار می گردد، چون انسان، ترکیبی از استعدادها و قوای جسمی و روحی است. پیامبر گرامی اسلام در حدیثی انسان ها را به معادن تشبیه کرده و فرموده است: «الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة، مردم معدن هایی هستند همچون معادن طلا و نقره» [۵] چنانچه این استعدادها به شکوفایی و فعلیت نرسد، زندگی انسان بیهوده و عبث خواهد بود و کسی که هدف مشخص و اعتقادات راسخی دارد، هرگز بدین وضع راضی نیست، بلکه همواره در مسیر کمال گام می نهد و هر لحظه خود را به هدف نزدیک تر می کند. پس انسانی دور از تربیت، یعنی انسان دور از حیات فرهنگی و اعتقادی، دور از کمال و پیشرفت، انسان بی هدف و بالآخره انسانی دور از انسانیت [۶].

اهمیت کودک و دوران کودکی

امروزه درباره کودک و اهمیت دوران کودکی تحقیقات زیادی به عمل آمده است و روان شناسان و پژوهشگران تعلیم و تربیت، در این زمینه توجه فراوانی مبذول داشته و درباره رشد جسمانی و روانی کودک مطالعات زیادی انجام داده اند. آنان نقش تجارب کودکی را برای کسب شخصیت سالم در مراحل مختلف رشد و بخصوص بزرگسالی، مهم می دانند. اما در گذشته و

بخصوص در عصر جاهلیت هم عصر نزول قرآن، چنین دیدگاهی حاکم نبود. این دیدگاه و نگرش غلط به کودک در بین دیگر اقوام و ملل نیز وجود داشت تا آنجا که حتی در بین برخی از اقوام، کشتن کودکان را حق قانونی والدین می‌دانستند [۷]. در لسان حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار علیهم‌السلام، کودک بسان یک انسان و آفریده خدا، جایگاه ویژه‌ای دارد و باید مورد تکریم و محبت قرار گیرد تا بتواند انسان صالح و سازنده‌ای برای خانواده و جامعه خود باشد. پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله در جامعه‌ای که برخوردهایی ناشایست و ناپسند با کودکان می‌شد، به روشنگری و هدایت اندیشه‌ها پرداخت و کودک و به ویژه فرزند صالح را ستود [۸].

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در جایی فرمود: «هر درختی میوه‌ای دارد و میوه دل، فرزند است». [۹] همچنین آن حضرت، داشتن فرزند صالح و نیکوکار را از سعادت و خوشبختی مرد می‌دانستند [۱۰] و او را به گل توصیف می‌کردند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرزند صالح را «ریحانه» ای معرفی کرده است که خداوند آن را به بندگانش عطا می‌فرماید [۱۱]. «ریحان» در لغت به معنای بوییدنی و چیزی است که بوی خوش داشته باشد یا به معنای رزق و روزی و رحمت است و در اثر اطلاق به رزق، به فرزند، «ریحان» گفته شده است. (سید علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۱۴۴) همچنین از این روی فرزند به ریحان تشبیه شده است که او را می‌بویند و به خود می‌چسبانند، آنچنان‌که گیاه ریحان را می‌بویند و غم و اندوه را به وسیله آن از بین می‌برند. (محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۵)

نیز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «فرزندان، نور دیدگان و جگر گوشه‌های ما و خردسالانشان، فرمان‌روایان ما هستند.» [۱۱] همچنین ایشان، بوی فرزند را از بوی بهشت دانسته [۱۲] و فرموده‌اند: خانه‌ای که در آن کودک نباشد، برکت ندارد [۱۳] علی‌رغم آنکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرزند، به ویژه فرزند صالح را ستوده و داشتن آن را مایه سعادت و خوشبختی آدمی دانسته‌اند، در برخی روایات، فرزند، از موجبات دل‌بستگی و حب به دنیا معرفی شده است. در این زمینه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: فرزندان، میوه دل و نور دیدگان والدین‌اند، ولی با این حال، موجب ترس و بخل و حزن و اندوه آنانند [۱۴]. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در برخورد و رفتار با کودکان، اصولی را بیان داشته و در عمل نیز بدان‌ها پایبند بودند، اصول و معیارهایی که با عمل بدان‌ها، زمینه تربیت دینی و صالح و نیکوکار شدن فرزندانش فراهم می‌گردد. همچنین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در راه تربیت و پرورش کودک، وظایف و تکالیفی را برای والدین مقرر داشته و خود نیز در زندگی شخصی بدان‌ها عمل می‌کردند. [۴]

آغاز تربیت

پیش از تولد

از نگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، تربیت و پرورش کودک، پیش از انعقاد نطفه آغاز می‌شود. توصیه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به مردان مبنی بر انتخاب همسر نیکو و صالح و حتی اشاره به ویژگی‌های جسمی و روحی زن، بیانگر این معناست. آن حضرت فرمود: «دقت کن و ببین نطفه خود را در کجا قرار می‌دهی، زیرا خلقیات از خانواده به فرزند می‌رسد.» [۱۲] بر شما باد که از ازدواج با زنان کم‌فهم و نادان پرهیز کنید، زیرا زندگی با آنان دردسر، و فرزندانشان ضایع و تباه می‌شوند [۱۳] همچنین توصیه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به دعا و ذکر پیش از انعقاد نطفه، بیانگر تأثیر دعا و حالات معنوی و روحی پدر و مادر در انعقاد نطفه است [۱۴].

دوران جنینی

امروزه بیش از گذشته، دوران جنینی و تأثیر تغذیه و حالات و روحیات مادر بر جنین مورد توجه قرار گرفته است. از نظر روان‌شناسان و پزشکان، آرامش یا اضطراب مادر در دوران بارداری و نوع تغذیه و سلامت و حتی حالات روحی و روانی مادر، مستقیماً بر سلامت جسمی و روحی جنین اثرگذار است [۱۱].

به لحاظ روان‌شناسی، علی‌رغم عدم ارتباط مستقیم دستگاه عصبی جنین با مادر، حالت‌های هیجانی مادر از قبیل خشم، ترس و اضطراب می‌تواند در عکس‌العمل‌ها و رشد جنین تأثیر بگذارد، زیرا این حالت‌ها، مواد شیمیایی ایجاد می‌کند که می‌تواند از طریق جفت وارد بدن جنین شود. همچنین ترشح برخی هورمون‌ها باعث تغییر در سوخت و ساز بدن و ترکیبات

خون می‌شود و از طریق جفت در جنین اثر می‌گذارد و حرکات جنین را افزایش می‌دهد [۲] توصیه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و دیگر پیشوایان دینی مبنی بر توجه و مهرورزی به مادران باردار و حمایت عاطفی از آنان به وسیله همسر، در راستای توجه به همین امر است [۳].

از دیگر موارد، اهمیت تغذیه مادران باردار است که مورد توجه پزشکان و دانشمندان قرار گرفته است. در سخنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نشانه‌هایی از توجه آن حضرت به این مطلب به چشم می‌خورد. توصیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مبنی بر دادن به، کندر و خرما به زنان باردار و تأثیر آن در خلق و خو و ظاهر فرزند، از جمله این موارد است. [۴]

دوران نوزادی

این دوران که حدود یکی دو هفته نخست اول زندگی را شامل می‌شود، [۵] مورد توجه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار گرفته است. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره تولد نوزاد، آداب و سننی نقل شده است که غالباً تا امروز نیز ادامه دارد و خانواده‌ها خود را ملزم به رعایت آنها می‌دانند. در ذیل به مهم‌ترین این آداب و سنن اشاره می‌شود:

الف. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد: روایت شده است که وقتی حسن علیه‌السلام متولد شد، رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله به اسماء بنت عمیس فرمود: ای اسماء، فرزندم را بیاور. اسماء او را به حضور پیامبر برد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نوزاد را در آغوش گرفت و در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه خواند، چنان‌که در مورد حسین علیه‌السلام نیز چنین کرد [۶] بر اساس برخی روایات، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علاوه بر اذان و اقامه، فاتحه‌الکتاب، آیه‌الکرسی، سوره «اخلاص»، معوذتین و آیات آخر سوره «حشر» را نیز در گوش حسنین علیهما‌السلام خوانده است [۱۰].

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بیان علت این سنت پسنندیده، به علی علیه‌السلام فرموده است: یا علی، چون فرزندی نصیب تو شد، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگو تا هرگز شیطان به او آسیبی نرساند [۱۱] همچنین در مقامی دیگر، فرمود: اگر زن یا یکی از اعضای خانواده‌ات، بدخلق شد، در گوش‌های او اذان بخوان. [۱۲] از این روایات برداشت می‌شود که گفتن اذان و یا هر ذکر و دعای دیگر در گوش آدمی، در آرامش درونی انسان و در امان ماندن از شیطان بی‌تأثیر نیست [۱۳].

این سنت پسنندیده موجب می‌شود که انسان از بدو تولد، با شعار اسلام آشنا شود، چنان‌که به هنگام مرگ نیز با این کلام (شهادتین) دنیا را وداع می‌گوید. قطعاً آنچه گوش می‌شنود، در اعماق جان و روح آدمی اثر می‌گذارد. [۱۴]

ب. عقیقه و صدقه: عقیقه از مصدر «عق» به معنای شکافتن و جدا کردن است. عقیقه، قربانی‌ای است که در هنگام تولد نوزاد ذبح می‌شود. از این‌رو، به این قربانی، «عقیقه» گفته‌اند، زیرا حلقومش را می‌شکافند و جدا می‌سازند [۷]. نقل شده است که وقتی امام حسن علیه‌السلام به دنیا آمد، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دو قوچ ابلق برای او عقیقه کرد. یک ران از آن را با یک اشرفی، به قابله امام علیه‌السلام عطا کرد و برای همسایگانش نیز از گوشت آن قربانی فرستاد. سپس سر حسن علیه‌السلام را تراشید و به وزن موی سرش، نقره صدقه داد و سرش را معطر کرد و بوسید. درباره امام حسین علیه‌السلام نیز چنین مراسمی را انجام داد. [۱۱] علی علیه‌السلام در این زمینه فرموده است: برای نوزاد خود در روز هفتم، عقیقه کنید و به وزن موهای سرش به مسلمانان صدقه بدهید، چنان‌که رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله برای حسین علیه‌السلام و دیگر فرزندانش چنین می‌کرد. [۲]

بدون شک، انجام مراسمی همچون عقیقه و ولیمه برای تولد نوزاد، موجب تکریم و احترام به او و حتی مادرش می‌شود و نشان از شادمانی و خرسندی پدر از تولد نوزاد دارد. این خرسندی تا بدان حد است که پدر به میمنت تولد نوزاد خود، مجلس مهمانی برگزار می‌کند. روشن است که اگر این موارد در راه کمک به نیازمندان باشد از ارزش بیشتری برخوردار است [۳].

ج. نام‌گذاری نیکو: از جمله مواردی که مورد توجه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار گرفته، نام نهادن کودک است، چنان‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز هفتم ولادت حسنین علیهما‌السلام، پس از عقیقه و صدقه دادن برای آن دو نوزاد، درباره نام‌گذاری آنان، با علی علیه‌السلام گفت‌وگو کرد [۸] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نام نیکو نهادن بر فرزند را از جمله حقوق مسلم فرزند بر پدرش معرفی کرده و فرموده است: «حق فرزند بر پدر، آن است که نام خوبی برایش انتخاب و او را نیکو تربیت

کند». [۴] از نگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نخستین چیزی که مرد به فرزندش می‌بخشد، نام است، پس باید او را نام نیک نهد [۵] همچنین رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله یکی از راه‌های تحقق محبت و احترام و به دست آوردن دل‌های دیگران را کنیه‌ها و نام‌های نیک می‌دانست [۱۲] و دوست نداشت که مردم، یکدیگر را به نام‌های بد صدا زنند. از این‌رو، آن حضرت نسبت به نام‌گذاری کودکان، حساسیت فراوانی داشت و در این زمینه به تغییر و جایگزینی اقدام می‌کرد. از آن‌رو که نام‌های افراد و گروه‌ها، تا حدی نماد باورها و گرایش‌های آنان است، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تأکید داشت، نام‌ها و اسامی کودکان، رنگ و بویی از سنت‌ها و آداب غلط جاهلی نداشته باشد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با ردّ برخی اسامی ناپسند، به معرفی نام‌های نیکو پرداخت. [۱۱]

اعراب جاهلی، فرزندان خود را به الفاظ و اسامی‌ای نام‌گذاری می‌کردند که نشان از پرستش بتان داشت. حتی آنان در نام‌گذاری کودکان، از اسامی برخی حیوانات استفاده می‌کردند و چون اهل جنگ و غارت بودند، نام فرزندان خود را به نام‌هایی همچون حرب و... که نماد جنگ و درگیری بود، می‌نامیدند تا بدین‌وسیله، دشمنان را بترسانند و رعب و وحشت در دل آنان ایجاد کنند و یا نام پادشاهان و ملوک را بر فرزندان خود می‌نهادند [۱۰]. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در تعالیم خود، به ردّ این اسامی پرداخت و نام‌گذاری نیکوی فرزندان را وظیفه والدین معرفی کرد [۱]

تأکید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر حذف نام‌های بد و جایگزین کردن نام‌های نیک و پسندیده برای کودکان و بزرگان که به ظاهر امر ساده‌ای به نظر می‌رسد، نوعی تکریم و بزرگداشت انسان است. بدون شک، نام نیکو و بافضیلت تأثیرات مثبتی بر روان کودک می‌گذارد و برای او نیکی و زیبایی را الهام می‌بخشد و احساس رضایت و اعتماد به نفس را به ارمغان می‌آورد. بعکس، نام‌های ناخوشایند و ناپسند یا بی‌معنی، موجب حقارت و رنج کودک را فراهم می‌کند [۲].

د. تغذیه با شیر مادر: اهمیت تغذیه کودک با شیر مادر و نیز تأثیرات حالات روحی و معنوی مادر بر نوزاد در دوران شیردهی، از امور بسیار مهمی است که بخصوص در دهه اخیر، مورد توجه پزشکان و روان‌شناسان قرار گرفته است. پیش از آنکه علوم جدید پرده از اسرار و تأثیرات شیر مادر بردارد، قرآن و پیشوایان دینی به این مطلب توجه داشته‌اند [۹]. حتی پیش از بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ظهور اسلام، مسئله شیر مادر در بین عرب، از شأن و جایگاه والایی برخوردار بود. از آن‌رو که این امر در تربیت و خلق و خوی کودک تأثیرگذار است، اعراب تأکید داشتند که خود مادر به فرزندش شیر دهد و اگر مادر عذری داشت، افراد فامیل یا افراد سالمی که دارای خانواده‌ای اصیل بودند، برای شیردهی انتخاب می‌شدند. اعراب در انتخاب دایه برای شیردهی دقت و توجه زیادی مصروف می‌داشتند [۵] و در از شیر گرفتن اطفال خود تعجیل نمی‌کردند. مدت زمان شیردادن که در بین عرب متعارف بوده بیش از بیست ماه گزارش شده است [۴]

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باورها و سنن رایج عرب را که مطابق با عواطف و فطرت انسانی و تأثیرگذار بر جنبه‌های روانی و روحی شخصیت او بود، تأیید می‌کرد. از این‌رو، در توصیه‌های تربیتی آن حضرت، اهمیت شیر مادر مورد توجه واقع شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: «هیچ غذایی برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست» [۳] همچنین آن حضرت شیر را موجب تغییر طبع و خلق و خوی کودک دانسته است. [۱] به همین دلیل، در سخنان ایشان ویژگی‌هایی برای مادران شیرده ذکر شده است [۲]

دادن مزدگانی به هنگام شنیدن خبر تولد نوزاد به منظور تکریم او و مادرش، [۳] اختتان نوزادان در روزهای نخست [۴] و نیز تحنیک، یعنی نرم کردن خرما و مالیدن آن در دهان نوزاد به وسیله افراد باتقوا و صالح، [۴] از دیگر آداب و سنن تولد نوزاد است که مورد توجه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است [۵].

هفت سال اول زندگی

در روایات منقول از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و پیشوایان دینی، تقسیم‌بندی‌هایی از مراحل رشد، و ویژگی‌های هر مرحله به چشم می‌خورد. رسول رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله در این زمینه فرموده است: «الولدُ سیدٌ سبع سنین، و خادمٌ سبع سنین، و وزیرٌ سبع سنین...»، فرزند هفت سال آفاست، هفت سال خدمتگزار و مطیع، و هفت سال وزیر و مشاور [۱۰]. پیامبر

صلی‌الله‌علیه‌وآله با توجه به اهمیت هفت سال نخست زندگی، در رشد و تکوین آدمی این دوره را دوره «سیادت و سروری» دانسته است. [۱۱]

واژه «سید» به معنای سرور، بزرگ، مهتر و آقا است. کاربرد این واژه درباره دوره کودکی اول، حکایت از آن دارد که کودک در این دوره، باید به اندازه کافی مورد توجه و احترام خانواده و دیگران قرار گیرد و در حکم آقا و سروری باشد که مورد تکریم است و اهانت و تحقیری متوجه او نیست. در این دوره نه تنها نباید با او آمرانه و تحکم‌آمیز برخورد کرد، بلکه او خود امر می‌کند. در تأیید این سخن، کلام دیگری از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که حضرت می‌فرماید: فرزندان ماجرگوشه‌های ما هستند، خردسالانشان فرمان‌روایان مایند [۱۲] همچنین در برخی از روایات، به یکی دیگر از ویژگی‌های این دوره، یعنی بازی کردن، اشاره شده است. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و همچنین امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار تا بازی کند و در هفت سال دوم به تربیت و ادب کردن او اقدام کن [۱۳].

هفت سال دوم زندگی

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این دوره را، دوره خدمتگزاری و تسلیم بودن کودکان معرفی کرده است. اطاعت، فرمان‌برداری، حرف‌شنوی و تعلیم و تأدیب کودک از ویژگی‌های این دوره به شمار می‌رود. کودک در این دوره، مطیع پدر و مادر می‌شود و خود را بیشتر در اختیار آنان قرار می‌دهد، در حالی که دوره قبل را با بازی و بازیگوشی، سپری می‌کرد و محور خانه به شمار می‌رفت. او در این دوره با توجه به رشدی که پیدا می‌کند، روحیه اطاعت‌پذیری‌اش بیشتر می‌شود. به همین دلیل، در این دوره بهترین فرصت، هم برای تعلیم (آموزش) و هم تأدیب (آموزش مستقیم ارزش‌ها و پرهیز دادن از ضد ارزش‌ها) فراهم می‌آید، زیرا کودک در این دوره، نه حالت بازیگوشی دوره اول را دارد و نه مشکلات دوره سوم را که دوره بلوغ و نوجوانی است [۱۴].

هفت سال سوم

این دوره در سخنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دوره مشورت، همراهی و همراهی بین والدین و فرزند است. به فرزند در این دوره، عنوان «وزیر» داده شده است. وزیر در لغت از ریشه «وَزَرَ» مشتق شده است که به معنای پناهگاه و یا کوهی است که بدان پناه می‌برند تا از هلاکت نجات یابند. بنابراین، وزیر خلیفه کسی است که به رأی و نظر او در کارها، تکیه شود و یا به او پناه برده شود و وزیر پادشاه کسی است که «وَزَرَ» و سنگینی و دشواری تدبیر امور مملکت را از دوش پادشاه برمی‌دارد [۱]. بنابراین، اگر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرزند را در هفت سال سوم زندگی، یعنی از چهارده تا بیست و یک سالگی، وزیر نسبت داده است، از این‌روست که باید در تدبیر کارها و امور، مورد تکیه و مشورت قرار گیرد. او در این سنین به مرحله‌ای از رشد رسیده است که می‌تواند بخشی از دشواری‌ها و سنگینی‌های اداره امور مربوط به خانواده را از دوش والدین و حتی دیگران بردارد. بنابراین، نوع نگرش والدین و اطرافیان نسبت به نوجوانان و تأیید او در این دوره از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا ویژگی این دوره، «احساس هویت در برابر گم‌گشتگی نقش» است و نوجوانان در حال رشد و پیشرفت که به زودی با وظایف ملموس مربوط به بزرگسالان روبه‌رو خواهند شد، نگران این هستند که در مقایسه با احساسی که از خود دارند، در چشم دیگران چگونه به نظر می‌رسند. [۲]

عوامل مؤثر در تربیت

عوامل گوناگونی پیوسته در انسان و زندگانی او تأثیر می‌گذارند. مربی می‌خواهد از این عوامل در جهت مصلحت فرد بهره‌گیرد و یا احیاناً از آثار سوء آن بکاهد. این عوامل عبارت‌اند از:

(الف) خانواده، (ب) مدرسه، (ج) گروه‌های دینی و اخلاقی، (د) عوامل پیش‌بینی نشده.

الف) خانواده

تأثیر خانه و خانواده در فرد، نامحدود است و می‌توان گفت پایه‌های تربیتی فرد در خانه نهاده شده است، چون فضای خانه آرامش و نیازمندی‌های روانی او را تأمین می‌کند و فرصتی را برای ارضای تمایلات و غرایز او فراهم می‌سازد و این امور در چگونگی رشد کودک مؤثر است. خانه اساس سلامت اخلاقی کودک را بنیانگذاری می‌کند، زیرا او ارزش‌های اخلاقی، علاقه

به راستی و درستی و تنفر از دروغ و نادرستی، گرایش به تعاون و همکاری، علاقه به هم‌نوع و بالأخره دوست داشتن فضایل و مبارزه با رذایل را از محیط خانه فرا می‌گیرد. [۳]

ساختار عقلانی کودک، از طریق مسموعات (شنیدن الفاظ به کار رفته در میان افراد خانواده، داستان‌ها و ...)، خواندن‌ها (مانند کتاب‌ها و مطبوعات و ...) و مشاهدات مانند تلویزیون، حوادثی که در محیط خانواده رخ می‌دهد و رفتارهایی که از بزرگ‌ترها می‌بیند بنیان نهاده می‌شود. [۴]

ب) مدرسه

از آنجا که تمام ملت‌ها می‌کوشند کودکان خود را درست تربیت کنند و از آثار منفی محیط خانوادگی بکاهند، مدارس تأسیس شدند تا محیطی تربیتی که از یک سو مورد پذیرش اجتماع و از سوی دیگر مورد حمایت دولت هاست، فراهم شود. [۵]

ج) جمعیت دینی و اخلاقی

در عصرهای گذشته و در عصر کنونی، گروه‌هایی دینی و اخلاقی مانند واعظان به تربیت افراد می‌پرداخته‌اند و عده‌ای هم برای یاری رساندن به ملت‌ها، با برگزاری همایش‌ها، انتشار کتاب‌ها، ساخت ابزارهایی چون اسباب بازی برای کودکان، تلاش کرده‌اند تا گام‌هایی را در این مسیر بردارند. [۶]

د) عوامل پیش‌بینی نشده

عوامل دیگری هم وجود دارند که پیش‌بینی نشده‌اند و ناخودآگاه در طرز رشد کودک بسیار تأثیر گذارند، مانند وراثت، محیط شهر و روستا، دوستان و هم‌بازی‌ها، و هر عامل دیگری که کودک ناخواسته از آن تأثیر می‌پذیرد و اخلاق و رفتار او را دگرگون می‌سازد. [۷]

جایگاه حقوق کودک

تعریف و تبیین مسایل و مشکلات اجتماعی مبتلا به کودکان و حل مشکلات و احقاق حقوق آنان در درجه نخست به مسئله تعریف کودک، دوران کودکی ایده‌آل و ارزش‌های موجود در این حوزه و حقوق و جایگاه کودک در جامعه بستگی دارد. کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (۸).

در جهان معاصر، احترام به حقوق کودک، اندیشه‌ای اساسی در تربیت آنان و حمایت و مساعدت همه‌جانبه در رشد فکری و سلامت روحی و روانی آنان به شمار می‌رود [۹]. بررسی وضعیت نوجوانان یا جوانان بزهکار نشان داده که در اکثر موارد، حقوق آنان در ایام کودکی تضییع شده یا بنا بر شرایطی یکی از شکنجه‌های روحی و روانی را مشاهده کرده‌اند. [۱۰] در عصر حاضر، امور تربیت و اصلاح از سوی مراجع قضایی و سایر نهادهای حمایتی و با عنوان یک حق برای کودکان مورد نظر و اهمیت است.

امروزه مجامع قضایی قبل از اینکه تکلیف به رسیدگی در جرایم کودکان و نوجوانان کجرو اجتماعی و بزهکار داشته باشند، بیش از همه به شخصیت یک کودک و نقش تربیتی آنان توجه دارند [۱۱]. نگاه تحول‌گرایانه قوانین و مقررات در جوامع بین‌المللی و تفسیر موسع آن به نفع احقاق حقوق کودک این نوید را می‌دهد که هدف، همسو شدن افکار جهانی برای جلوگیری از آسیب‌ها و لطماتی است که کودکان را از رسیدن به حقوق واقعی و قانونی آنان باز می‌دارد. کودکان در روند رشد و بلوغ و پس از آن برای ورود به جامعه دارای نیازهای اساسی هستند که چنانچه در دوران کودکی مورد توجه واقع نشود، چه بسا خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر جامعه تحمیل خواهد کرد. در این میان، حقوق کودک نه تنها به عنوان یک تکلیف بر عهده والدین است [۱۲]، بلکه جامعه (قدرت عمومی) نیز باید با توسعه سیستم‌های حمایتی و نظارتی نسبت به احقاق حقوق کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه از آن دفاع نماید و برنامه‌ریزی هدفداری را به منظور رسیدن به هدف‌های برتر مورد توجه قرار دهد [۱۳].

برده داری، بهره کشی به اشکال مختلف، تجاوز، آسیب های روانی و جسمی و محرومیت از آموزش، بخشی از تضييع حقوق کودکان است. با ظهور مکاتب جهانی و پیشرفت روز افزون حقوق فردی و اجتماعی و نیز ارتقای آگاهی های عمومی و توسعه دولت ها و وظایف ذاتی حکومت به عنوان دفاع از منافع و مصالح عمومی، باید تلاش بیشتری صورت گیرد تا بستر مناسب جهت احقاق حقوق کودک یا جلوگیری از پایمال نمودن آن در جوامع فراهم شود [۱۴].

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که امروزه به دلیل حضور اجتماعی زنان و اشتغال مادران، بسیاری از نوزادان، در ساعاتی از روز از شیر مادر و آغوش گرم او محروم می‌مانند. جدایی کودک از مادر در طی ساعات طولانی - به ویژه در دوران شیرخوارگی - صدمات زیادی را به لحاظ روحی و روانی بر کودک وارد می‌آورد. نامناسب بودن شرایط مهدهای کودک و عدم آگاهی و کارآزمودگی مربیان این قبیل مراکز، صدمات مزبور را دوچندان می‌کند. از این رو، با دادن آگاهی لازم به مادران مبنی بر اهمیت دوران شیرخوارگی و کودکی، باید انگیزه و زمینه‌های کافی و حمایت‌های مناسب را فراهم آورد تا آنان بتوانند با آرامش در این دوران حساس در کنار فرزندان خود باشند و به مراقبت و پرورش آنان بپردازند و در عین حال، امنیت شغلی آنان نیز حفظ گردد.

منابع و مأخذ

- [۱] ابن اثیر(۱۳۶۴)، النهایه فی غریب الاثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان
- [۲] ابن شعبه حرانی، حسن بن علی(۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، محقق و مصحح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم
- [۳] ابن منظور(۱۴۱۳ق) لسان العرب، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- [۴] ابن سعد واقدی، محمد، (۱۳۶۹)طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چ دوم، تهران، نو
- [۵] احدی، حسن، بنی جمالی، شکوه السادات (۱۳۸۸)، روان شناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روان شناسی کودک، تهران، جیحون
- [۶] اربلی، علی بن عیسی(۱۳۴۶)کشف‌الغمّه فی معرفه‌الائمّه، ترجمه علی بن حسین زواره‌ای، چ دوم، قم، ادب‌الحوزه
- [۷] ارفع، سید کاظم (۱۳۷۵)، اخلاق در قرآن، محاسن، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی
- [۸] ارفع، سید کاظم (۱۳۷۶)، اخلاق در نهج‌البلاغه- بنیادهای اخلاق، ج ۱، چاپ اول، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی
- [۹] ارفع، ک(۱۳۸۱)، مکارم الاخلاق، تهران، تربت فیض کاشانی
- [۱۰] اسعدی، حسن(۱۳۸۷)خانواده و حقوق آن، مشهد، به نشر
- [۱۱] اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۸۵ ش)، فرهنگ اخلاق، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم
- [۱۲] اعرافی، علی رضا و همکاران، (۱۳۷۶)اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، قم دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
- [۱۳] امینی، ابراهیم(۱۳۶۸) آیین تربیت، قم انتشارات اسلامی
- [۱۴] امینی، ابراهیم(۱۳۸۴) اسلام و تعلیم و تربیت، قم، بوستان کتاب